



## تحول مفهوم تجاوز در حقوق بین‌الملل کیفری و کیفیت تعامل ایران با دیوان کیفری بین‌المللی\*



امیرحسین زمانی‌نیا\*\* - دکتر مریم مرادی\*\*\*

This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

### چکیده

موضوع مقاله حاضر آینده پژوهی تأثیر تحول مفهوم تجاوز در کنفرانس کامپالا بر کیفیت تعامل ایران با دیوان کیفری بین‌المللی است. این پژوهش در چهارچوب روش تحقیق توصیفی-تحلیلی در سه قسمت تدوین گردیده است. در قسمت اول به طرح مساله و بررسی پیشینه منابع موجود در این زمینه پرداخته می‌شود. در قسمت دوم پیشینه کنفرانس کامپالا و تحول مفهوم تجاوز مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت در قسمت سوم به سناریوهای محتمل و مطرح در ارتباط با کیفیت احتمالی تعامل ایران با دیوان کیفری بین‌المللی بر اساس تعریف تجاوز در حقوق بین‌الملل کیفری پرداخته خواهد شد. در پایان نتیجه‌گیری خواهد شد که تعریف تجاوز در کنفرانس کامپالا و همچنین انحصاری نبودن شروع تحقیقات در خصوص ارتکاب تجاوز به تشخیص شورای امنیت ملل سازمان متحد، دو شاخص مهم در موفقیت کشورهای در حال توسعه در این کنفرانس می‌باشد. این دو شاخص مهم و مثبت، ایجاد تعادل در تدوین حقوق کیفری بین‌المللی احتمال تغییر وضعیت عضویت ایران و الحاق به اساسنامه دیوان را در زمان مناسب تقویت می‌کند.

### کلیدواژگان

ایران، دیوان بین‌المللی کیفری، مفهوم تجاوز، عضویت

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری حقوق بین‌الملل امیرحسین زمانی‌نیا با راهنمایی دکتر ابومحمد عسگرخانی است.

\*\* دانشجوی دکترای تخصصی حقوق بین‌الملل عمومی، گروه حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌الملل، قشم، ایران.

\*\*\* استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، واحد بین‌الملل قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

## مقدمه

برای اولین بار، «اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، عمل تجاوز را جنایت بین‌المللی دانست و برای متجاوزان مسئولیت کیفری را در نظر گرفت» (ضیائی‌بیگدلی، ۱۳۸۷: ۵۳۹)؛ (Ziaee Bigdeli, 2008: 539). پس از الحاق شصتمین کشور به اساسنامه دیوان در اول ژوئیه سال ۲۰۰۲ دیوان کیفری بین‌المللی رسماً شروع به کار کرد و مجمع کشورهای عضو یک کمیسیون مقدماتی جدید را به منظور رسیدگی به مسائل حل نشده مربوط به جنایت تجاوز ایجاد نمود.

ایران اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی را امضاء ولی به آن نپیوسته است. فضای سیاسی ناشی از تجربیات بین‌المللی ایران در خصوص جنگ تحمیلی، حقوق بشر و برنامه هسته‌ای در رویکرد ایران نسبت به اساسنامه دیوان بی‌تأثیر نیست. البته تعریف «تجاوز» در کنفرانس کامپالا در سال ۲۰۱۰ با مشارکت فعال کشورهای در حال توسعه و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران، نهایی و مورد استقبال قرار گرفت. بر مبنای تعریفی که از «تجاوز» صورت گرفت شورای امنیت سازمان ملل متحد تنها مرجع ارجاع جنایت «تجاوز» به دیوان کیفری بین‌المللی نخواهد بود. اهمیت پرداخت به موضوع از آنجاست که ایران اساسنامه دیوان را امضاء کرده لیکن به دلیل ملاحظاتی تاکنون مباردت به تصویب آن ننموده است. یکی از مهمترین ملاحظات ایران امکان سوء استفاده شورای امنیت سازمان ملل متحد از سازو کار دیوان بوده است. پژوهش حاضر از این جهت اهمیت دارد که در صدد تحلیل عکس‌العمل ایران به نتیجه کنفرانس کامپالا، تعریف تجاوز و امکان شروع روند تحقیق در خصوص اتهام ارتکاب تجاوز توسط دادستان دیوان یا به درخواست یکی از اعضاء می‌باشد. مقاله این سوالات را مطرح می‌کند که محدود شدن اختیارات شورای امنیت در کنفرانس کامپالا که از خواسته‌های اصلی ایران بود، چه تأثیری بر رویکرد ایران نسبت به اساسنامه دیوان خواهد داشت؟ با توجه به تعریف مفهوم تجاوز توسط اجلاس بازنگری دیوان در کامپالا در سال ۲۰۱۰، تبدیل وضعیت عضویت و الحاق ایران به اساسنامه دیوان چه آینده‌ای را در این چارچوب برای ایران پدید خواهد آورد؟ با توجه به تحول تعریف تجاوز به عنوان یکی از مبانی صلاحیتی دیوان بین‌المللی کیفری در اجلاس بازنگری کامپالا ۲۰۱۰، پیوستن ایران به این دیوان در شرایط جدید برای نهادهای حاکمیتی ایران، از جمله مجلس و شورای نگهبان مهیا گردیده است تا آن را به تصویب برسانند. این فرضیه با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۱- پیشینه

با مروری بر ادبیات منتشر شده در این زمینه این نتیجه حاصل می‌شود که هیچ کتاب یا مقاله‌ای که به سوال اصلی این پژوهش بپردازد موجود نیست. در عین حال، کتب، مقالات، دیدگاه‌ها و منابع

<sup>۱</sup>. ASP

زیادی در ارتباط با موضوع کلی دیوان در داخل و خارج از کشور منتشر شده است. در مجموع با بررسی ادبیات موجود می‌توان پنج گونه کلی از ادبیات پژوهش را به شرح زیر شناسایی کرد. لازم به ذکر است که هرچند منابع قابل توجهی در ارتباط با ماهیت و ابعاد فعالیت دیوان بین‌المللی کیفری به زبان فارسی و انگلیسی منتشر شده است ولی هیچ کدام از منابع موجود به صورت تخصصی و ویژه به دغدغه اصلی پژوهش حاضر که عمدتاً مربوط به تعریف مفهوم تجاوز توسط دیوان بین‌المللی کیفری است توجهی نشان ندادند و آن را به صورت تخصصی از منظر منافع و دغدغه های ایران مطالعه و بررسی نمودند.

دسته اول منابع تئوریک هستند. در اینگونه از منابع که در دسترس و موجود نیز هستند با یک نگاه تئوریک حقوقی و حقوق بین‌المللی موضوعات مرتبط با دیوان مورد ملاحظه قرار گرفته‌اند. در راستای همین دغدغه است که کوین گری و کافوما کالیالیا در مقاله‌ای تحت عنوان «غلبه بر دولت گرایی از درون: دیوان بین‌المللی کیفری و سیستم وستفالی» به بررسی نقش دیوان بین‌المللی کیفری با توجه به تحولات حقوقی سیستم وستفالی پرداخته‌اند (Gray & Kalya, 2016).

کورتنی هیلبرجت در مقاله‌ای تحت عنوان: «آثار بازدارنده دیوان بین‌المللی کیفری: شواهدی از لیبی» به بررسی آماری مربوط به اقدامات دیوان کیفری بین‌المللی در ارتباط با بحران لیبی و آثار آن در بازدارندگی سبعت و خشونت بر علیه غیر نظامیان و تأمین عدالت در کوتاه مدت پرداخته است (Hillebrecht, 2016). آلانا تیمسن در مقاله‌ای تحت عنوان «دیوان بین‌المللی کیفری و جنگ قانونی از طریق مداخله قضایی» عمدتاً با محور قرار دادن مفهوم سیاسی شدن عدالت قضایی سعی نموده است که روند استفاده سیاسی دولت‌ها را از مفهوم عدالت قضایی و اکیداً با توجه به نقش و جایگاه شورای امنیت سازمان ملل متحد مورد مذاقه و بررسی قرار دهد (Tiemessen, 2016).

دسته دوم منابع مرتبط با ماهیت، هویت، ادبیات شکل‌گیری و موضوعات تحت صلاحیت دیوان هستند. در این دسته از منابع عمدتاً بر اساس ادبیات‌شناسی و روندشناسی سعی گردیده است تا مقولات مرتبط با دیوان بین‌المللی کیفری مورد ملاحظه و بررسی قرار بگیرند. آندرو نواک در کتابی تحت عنوان «مقدمه‌ای بر دیوان بین‌المللی کیفری» با یک رویکرد توصیفی دیوان بین‌المللی کیفری را مورد بررسی قرار داده است. در آن کتاب علاوه بر بررسی ابعاد تاریخی حقوق کیفری بین‌المللی و بررسی ساختار رسمی و حقوقی دیوان کیفری بین‌المللی به ابعاد صلاحیتی و نحوه رسیدگی به موضوعات مورد بررسی صلاحیت دیوان پرداخته شده است (Novak, 2015).

دسته سوم منابع مرتبط با رویکرد قدرت‌های بزرگ عضو دائم شورای امنیت در ارتباط با نوع نگاه و نحوه مشارکت و در مواردی ایفای نقش در مدیریت موضوعات مرتبط با دیوان بین‌المللی دادگستری هستند. دکتر جمشید ممتاز و مسعود اکبری در مقاله‌ای تحت عنوان «آمریکا و دیوان بین‌المللی کیفری: سیاست آونگی، از تقابل تا تعامل» به بررسی رویکرد آمریکا به دیوان بین‌المللی کیفری پرداخته‌اند. در این منبع که از جدیدترین آثار منتشر شده در این حوزه است ابعاد و

رویکردهای نگاه امریکا به صلاحیت و عملکرد دیوان بین‌المللی کیفری مورد بحث و بررسی قرار گرفته شده است. با توجه به این که نگاه آمریکا به دیوان یک نگاه انتقادی در وضعیت حاضر است به نظر می‌رسد که این منبع می‌تواند در درک ابعادی از وضعیت موجود دیوان در صحنه حقوق بین‌الملل بر اساس کنش آمریکا مفید و موثر باشد (ممتاز و اکبری، ۱۳۹۵)؛ (Momtaz and Akbari, 2017).

دسته چهارم منابع مرتبط با نوع نگاه ایرانی به موضوعات مرتبط با دیوان بین‌المللی کیفری هستند. در این دسته از منابع به صورت تخصصی روابط دوجانبه ایران و دیوان بین‌المللی کیفری و کیفیت مشارکت ایران در روند مسائل مرتبط با دیوان بین‌المللی کیفری مورد ملاحظه قرار گرفتند. در قالب همین منابع می‌توان به کتابی که در ایران توسط موسی‌زاده و امینیان منتشر شده است اشاره کرد. رضا موسی‌زاده و اکبر امینیان در کتابی تحت عنوان «جمهوری اسلامی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی» با همکاری تعداد قابل توجهی از دانشوران و متخصصان حقوق بین‌الملل به بررسی ابعاد مختلف موضوع حاضر پرداختند. در این کتاب که یکی از مهمترین منابع مربوط در حوزه توصیف و تحلیل نگاه ایران به حوزه صلاحیتی و کارکردی دیوان بین‌المللی کیفری است با مشارکت کارشناسان برجسته ایرانی ابعاد مختلف نگاه ایران نسبت به صلاحیت، عملکرد و انتظارات ایران از مشارکت در دیوان به تصویر کشیده شده که در مباحث توصیفی و تحلیلی این پژوهش در ارتباط با دیوان استفاده خواهد شد (موسی‌زاده و امینیان، ۱۳۹۰)؛ (Musazadeh and Aminian, 2012).

دسته پنجم منابع اسناد، مدارک و معاهدات مرتبط با موضوع پژوهش است. این دسته از منابع علاوه بر اسناد، معاهدات، کنوانسیون‌ها، قوانین و قواعد عرفی حقوق بین‌الملل من جمله اسناد خود دیوان بین‌المللی کیفری همانند اساسنامه، بیانیه‌ها، رویکردهای اعلامی توسط مقامات ذیصلاحیت دیوان، اسناد اجلاس بازنگری کامپالا در سال ۲۰۱۰ و... می‌باشند.

## ۲- چارچوب مفهومی: تعریف «تجاوز» در کنفرانس کامپالا (۲۰۱۰)

کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری با یک سال تأخیر در تاریخ ۳۱ می تا ۱۱ ژوئن ۲۰۱۰ در شهر کامپالا- اوگاندا برگزار شد. در قطعنامه نهایی کنفرانس مربوط به بازنگری اساسنامه دیوان، قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۳ سند مبنای تعریف جنایت تجاوز قرار گرفت. در کنفرانس توافق شد که شورای امنیت می‌تواند وضعیت ارتکاب عمل تجاوز را بدون توجه به عضویت یا عدم عضویت دولت‌های درگیر محاصمه مسلحانه، به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع نماید. علاوه بر آن، موافقت شد که دادستان نیز در نبود چنین ارجاعی از جانب شورای امنیت، به ابتکار خویش و یا بنا به درخواست یک دولت عضو، شروع به انجام تحقیقات نماید. در چنین مواردی البته صلاحیت دیوان نسبت به جنایت ارتكابی از سوی اتباع دول غیر عضو و یا ارتكابی در یک دولت غیر عضو محرز نخواهد بود.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات حقوق بین‌الملل کیفری فعال بوده و در تحقق تحولات فوق سیاست همسویی داشته است. اولاً انتظار بنیادی جمهوری اسلامی ایران در این زمینه از این قرار است که روند تحولات و شکل‌گیری و تدوین حقوق بین‌الملل کیفری و همچنین آئین دادرسی ناظر بر دیوان بین‌الملل کیفری در سلطه کشورهای قدرتمند و دارای حق و تو در شورای امنیت سازمان ملل متحد نباشد. ثانیاً دامنه اختیارات شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص تعریف و مصداق تجاوز انحصاری نباشد و اعضای مجمع عمومی ملل متحد نیز در تعیین مصداق جنایت تجاوز نقش داشته باشند. ضمناً با توجه به تجربه جنگ ایران و عراق که شورای امنیت هیچگاه عراق را به عنوان متجاوز مورد شناسایی قرار نداد باعث شد که جمهوری اسلامی ایران اصرار داشته باشد شورای امنیت سازمان ملل متحد تنها مرجع بین‌المللی احراز جنایات تحت صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری و از جمله جنایت تجاوز نباشد.

شایان ذکر است که تا پایان سال ۲۰۱۹، ۱۲۲ کشور به اساسنامه دیوان پیوسته و حدود ۱۳۹ کشور آن را امضا کردند که این شرایط وزن و جایگاه این نهاد را در حوزه روند حقوق بین‌المللی در حال تکوین مشخص می‌نماید. با توجه به سوابق تاریخی تعامل ایران با روند توسعه حقوق بین‌الملل، ایران یکی از کشورهایی بوده است که اساسنامه رم را در آخرین فرصت مفتوح بودن این سند حقوقی امضا نموده لیکن هنوز به آن ملحق نشده است. سؤال مهمی که در این زمینه مطرح می‌گردد مقوله آینده‌پژوهی کنش ایران در مشارکت در روند شکل‌گیری حقوق بین‌الملل کیفری در قالب تحولات در جریان بین‌المللی است که نیازمند بررسی‌های جامعی در قالب نگاه حقوقی و سیاسی به شورای امنیت سازمان ملل متحد و ادبیات و سوابق و اهداف دیوان کیفری بین‌المللی خصوصاً در حوزه تعریف تجاوز است.

### ۳- بررسی تاریخچه کنفرانس کامپالا

با عنایت به مواضع اعلامی هیأت‌ها در کنفرانس رم، سه موضوع اصلی درباره جنایت تجاوز قابل شناسایی است: نخست اینکه لازم نیست جنایت تجاوز در اساسنامه رم درج شود، دوم این که در صورت درج جنایت تجاوز نقش شورای امنیت باید چگونه باشد؟ و مسئله سوم نیز اصل تعریف جنایت تجاوز بود. بر خلاف برخی اعضای دائم شورای امنیت از جمله آمریکا و انگلستان که با درج جنایت تجاوز در اساسنامه دیوان مخالفت جدی نشان دادند، سایر اعضای دائم شورای امنیت از جمله فرانسه چنین گرایشی را از خود بروز ندادند (Schabas, 2007: 11). از این روی در نهایت نسبت به درج جنایت تجاوز در اساسنامه موافقت و اساسنامه تصویب گردید. بیشترین چالش‌ها و اختلاف‌ها در بین نمایندگان دولت‌ها در مورد نقش شورای امنیت در احراز عمل تجاوز بروز کرد. اعضای دائم شورای امنیت اصرار داشتند که زمانی با درج جنایت تجاوز در اساسنامه موافقت خواهند کرد که اعمال صلاحیت دادگاه بر جنایت تجاوز فقط پس از ارجاع موضوع توسط شورای

امنیت به دیوان انجام گیرد. البته اکثر اعضای جنبش عدم تعهد از جمله جمهوری اسلامی ایران با این موضع اعضای دایم شورای امنیت به شدت مخالف بوده و مقابله سختی کردند. به طور کلی؛ قسمت (د) بند (۱) ماده ۵ اساسنامه رم رسیدگی به جنایت تجاوز را در صلاحیت دیوان می‌داند. از آنجا که هیچ تعریفی از تجاوز در کنفرانس رم مورد توافق قرار نگرفت؛ اساسنامه رم تعریف تجاوز و شرایطی را که دیوان تحت آن می‌تواند به این موضوع رسیدگی کند را طبق مواد ۱۲۱ و ۱۲۳ اساسنامه دیوان، منوط به تشکیل کمیسیونی کرد که برای این موضوع و انضمام این تعاریف و شرایط به اساسنامه دیوان تشکیل می‌شود.

از فوریه ۱۹۹۹ تا جولای ۲۰۰۲، ۱۰ جلسه کمیسیون مقدماتی طی سه مرحله برای تعریف جرم تجاوز تشکیل شد. در مرحله اول که جلسه‌های اول و دوم کمیسیون مقدماتی از فوریه تا اوت ۱۹۹۹ برگزار شد، هیچ پیشرفتی درباره تعریف جنایت تجاوز حاصل نشد. در مرحله دوم که از دسامبر ۱۹۹۹ تا ۳۰ ژوئن ۲۰۰۰ بود و سه جلسه تشکیل شد، مقررات و عناصر جرم تجاوز نهایی شد و همچنین هر یک از کشورها نظراتشان را درباره جرم تجاوز بیان کردند. در مرحله سوم که از ژوئن ۲۰۰۰ تا جولای ۲۰۰۲ بود و پنج جلسه نیز در این مرحله برگزار شد، منافع قدرت‌های بزرگ سبب ابهام در تعریف تجاوز شد، اما مشارکت کشورها در بحث‌ها افزایش داشت (Baek, 2006: 15-16). بعد از اینکه اساسنامه رم در سال ۲۰۰۲ اجرایی شد، دیوان کیفری بین‌المللی «گروه کاری ویژه‌ای» شامل دولت‌های عضو و برخی دولت‌های غیرعضو را درباره جرم تجاوز تشکیل داد. این کارگروه که از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ برای تعریف جرم تجاوز فعالیت کرد (Scharf, 2012: ۳۶۲). لزوم فرماندهی، رفتار فردی و عمل تجاوز سه عامل مهمی بودند که مورد توجه گروه کاری قرار گرفتند (پورخاقان، ۱۳۸۹: ۵۳۰)؛ (Pourkhaqan, 2011: 530). کارگروه به اتفاق نظر داشت که مندرجات درباره تجاوز باید کمترین تغییرات ممکن را نسبت به اساسنامه رم ایجاد کند. دولت‌ها توافق کردند که تعریف تجاوز فقط باید به افرادی ناظر باشد که «بر اقدام نظامی یا سیاسی دولت، اعمال کنترل یا فرماندهی می‌کنند» (سلیمی، ۱۳۹۳: ۱۶۸)؛ (Salimi, 2015: 168).

در نهایت فعالیت این گروه کاری ویژه به «کنفرانس بازنگری کامپالا» منجر شد که نخستین کنفرانس بازنگری برای تعریف تجاوز بود. کنفرانس کامپالا با یک سال تأخیر از ۳۱ ماه می تا ۱۱

<sup>۱</sup>. Kampala Review Conference

<sup>۲</sup>. در بند (۱) ماده ۱۲۳ اساسنامه رم آمده است که «۷ سال پس از لازم‌الاجرا شدن این اساسنامه، دبیرکل سازمان ملل متحد یک کنفرانس بازنگری برای بررسی اصلاحیه‌های پیشنهادی برای آن تشکیل خواهد داد...» بنابراین با توجه به اینکه اساسنامه رم از یکم جولای ۲۰۰۲ اجرایی شد، کنفرانس بازنگری نیز باید در سال ۲۰۰۹ برگزار می‌شد اما با یک سال تأخیر در سال ۲۰۱۰ برگزار شد.

ژوئن ۲۰۱۰ در شهر کامپالا، پایتخت اوگاندا برگزار شد. «بان کی مون»<sup>۱</sup> دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، در افتتاحیه این کنفرانس گفت: «عصر قدیمی مصونیت پایان یافت و عصر جدید مسئولیت پذیری به کندهی اما با اطمینان آغاز شد. در این عصر جدید پاسخگویی، آنهایی که مرتکب بدترین جنایات‌های بشری شوند باید پاسخگو باشند» (Habati Mubatsi, 2010).

در کنفرانس کامپالا ضمن تعریف جنایت تجاوز و عناصر آن، شروط اعمال صلاحیت دیوان نیز مشخص شد. «بان کی مون»، دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، پذیرفتن تعریف تجاوز و تعیین شروط اعمال صلاحیت دیوان بر آن را یک دستاورد تاریخی<sup>۲</sup> یاد کرد و آنرا پایان عصر مصونیت<sup>۳</sup> و آغاز فصل مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی<sup>۴</sup> در عرصه جهانی عنوان کرد (آقای جنت مکان، ۱۳۹۰: ۱۶۵)؛ (Aghaee Janatmakan, 2012: 165) در این کنفرانس با وجود نظر آمریکا و برخی کشورهای غربی که اصرار داشتند، علاوه بر آنکه شورای امنیت می‌بایست باید تنها مرجع احراز کننده وقوع جنایت تجاوز و سپس اعمال صلاحیت دیوان باشد، دو روش دیگر شامل ارجاع به وسیله دولت‌ها یا شروع اعمال صلاحیت به وسیله دیوان نیز مورد تصویب قرار گرفت. قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی ملل متحد مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ در مورد تعریف تجاوز در کنفرانس بازنگری کامپالا مبنای تعریف جنایت تجاوز به منظور اصلاح اساسنامه دیوان قرار گرفت و بدین ترتیب قطعنامه مجمع عمومی که اصطلاحاً به آن «قانون نرم» گفته می‌شود، به «قانون سخت» تبدیل شد. (زمانی‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۹۲-۱۹۳)؛ (Zamaninia, 2015: 192-193).

تعریف پذیرفته شده در کنفرانس کامپالا درباره جنایت تجاوز در ماده ۸ مکرراً اساسنامه رم قرار گرفت. در این ماده آمده است:

اول، برای منظور این اساسنامه، جنایت تجاوز یعنی طراحی، آماده‌سازی، شروع و اجرای عمل تجاوز کارانه که به دلیل ماهیت، شدت و مقیاس، مصداق بارزی از نقض منشور سازمان ملل باشد.<sup>۵</sup> دوم، برای منظور بند ۱، عمل تجاوز کارانه یعنی استفاده از نیروهای مسلح به وسیله یک دولت علیه حق حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگر یا به هر شکل دیگری که با منشور سازمان ملل ناسازگار باشد. هر یک از اعمال زیر، صرف نظر از اعلام جنگ، مطابق با قطعنامه ۳۳۱۴

<sup>۱</sup> Ban Ki Moon

<sup>۲</sup> Accountability

<sup>۳</sup> Historic Achievement

<sup>۴</sup> Era of Impunity

<sup>۵</sup> Age of accountability

<sup>۶</sup> Article 8 bis

<sup>۷</sup> به عبارت دیگر، در این تعریف چهار نوع از اشکال مشارکت شامل طراحی، تدارک، آغاز و اجرای اعمال تجاوز کارانه عنوان شده است.

مجمع عمومی سازمان ملل مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴، نوعی عمل تجاوز کارانه محسوب می‌شود. سوم، تهاجم یا حمله به وسیله نیروهای مسلح یک دولت به قلمروی دولت دیگر، یا هر نوع اشغال نظامی، هر چقدر هم که موقتی باشد، در نتیجه چنین تهاجم یا حمله‌ای، یا هر نوع انضمام قلمروی یک دولت دیگر یا بخشی از آن با توسل به زور. چهارم، اقدام به بمباران به وسیله نیروهای مسلح یک دولت علیه قلمروی دیگر یا استفاده از هرگونه سلاح به وسیله یک دولت علیه قلمروی دولت دیگر؛

پنجم، محاصره بنادر یا سواحل یک دولت به وسیله نیروهای مسلح دولت دیگر. ششم، حمله به وسیله نیروهای مسلح یک دولت به نیروهای زمینی، دریایی یا هوایی یا ناوگان‌های دریایی و هوایی دولت دیگر.

هفتم، استفاده از نیروهای مسلح یک دولت که بر اساس موافقت‌نامه‌ای با دولت میزبان در داخل قلمروی آن به سر می‌برند، به شیوه‌ای مغایر با شرایط مصرح در موافقت‌نامه مذکور یا هرگونه تمدید مدت حضور آن‌ها در چنین قلمروی بعد از خاتمه مدت موافقت‌نامه. هشتم، اقدام یک دولت در اجازه دادن به اینکه بخشی از قلمرو آن که در اختیار دولت دیگری گذاشته شده است به وسیله آن دولت دیگر به منظور ارتکاب عمل تجاوز کارانه علیه دولت سومی به کار گرفته شود.

نهم، اعزام دسته‌ها و گروه‌های مسلح، نیروهای نامنظم یا مزدور به وسیله یا از طرف یک دولت که مرتکب اقدام‌های مشابه نیروهای مسلح علیه دولت دیگری شوند، به نحوی که اقدام آنها به قدری شدید باشد که مصداق اقدام‌های مذکور در فهرست فوق باشد یا دخالت گسترده دولت در چنین عملیاتی.

ماده ۱۵ مکرر اساسنامه که در کنفرانس کامپالا مورد تصویب قرار گرفت حائز اهمیت زیادی است زیرا شرایط اعمال صلاحیت دیوان بر جنایت تجاوز را مشخص کرده است. در بند (الف) و (ج) ماده اعمال صلاحیت دیوان در اثر ارجاع وضعیّت توسط یک دولت عضو یا به ابتکار دادستان آمده است. همچنین ماده ۱۲ بر عدم صلاحیت دیوان نسبت به دولت‌های عضو انصراف‌دهنده از پذیرش صلاحیت دیوان تأکید شده است.

**۴- تحول مفهوم تجاوز و تحلیل راهبردی کیفیت آینده تعامل ایران با دیوان**  
با توجه به تحول مفهوم تجاوز، سناریوهای آینده‌پژوهانه درباره روابط جمهوری اسلامی با دیوان عبارتند از:

#### ۴-۱- خروج از دیوان و لغو عضویت ناظر

با توجه به سناریوی انکار که در فصل گذشته توضیح داده شد، می‌توان خروج از دیوان کیفی بین‌المللی و لغو عضویت ناظر را به عنوان یکی از راهبردهای جمهوری اسلامی ایران درباره دیوان



مطرح کرد. به طور کلی باید گفت با توجه به این دلایل و هزینه‌هایی که وجود دارد؛ به نظر نمی‌رسد که جمهوری اسلامی ایران راهبرد لغو عضویت ناظر و خروج کامل از دیوان کیفری بین‌المللی را در آینده اتخاذ کند. گرچه ایران به همراه هند، پاکستان، ژاپن، کره شمالی، عربستان سعودی، سوریه و ترکیه نیز عضویت دیوان کیفری بین‌المللی را ندارند ولی اکثر کشورهای اروپای غربی و آمریکای جنوبی اساسنامه رم را امضا کرده و عضو این دیوان کیفری شدند، از کشورهای عربی پیرامون ایران هم، فلسطین، اردن و تونس عضویت این دادگاه را دارا هستند.

#### ۴-۲- تداوم وضعیت عضویت ناظر

دومین تحلیل آینده‌پژوهانه‌ای که از آینده روابط جمهوری اسلامی ایران با دیوان کیفری بین‌المللی می‌توان ارائه داد، تداوم وضعیت کنونی به عنوان عضو ناظر است. تداوم این رویکرد به دلایل زیر موضوعی قابل پیش‌بینی است:

۴-۲-۱- تصویب اساسنامه رم و عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در دیوان کیفری بین‌المللی سبب می‌شود که اصول اساسنامه رم برای جمهوری اسلامی ایران لازم الاجرا باشد؛ در حالی که در وضعیت عضویت ناظر، جمهوری اسلامی ایران در فرآیند هنجارسازی و فعالیت دیوان نقش دارد اما ملزم به اجرای اصول و مفاد اساسنامه نیست.

۴-۲-۲- هیچ یک از قدرت‌های منطقه‌ای رقیب جمهوری اسلامی ایران عضو دائم دیوان کیفری بین‌المللی نیستند. بنابراین؛ جمهوری اسلامی ایران نیز ترجیح می‌دهد که تعهدات مربوط به اساسنامه رم را نپذیرد. آنچه این شرایط را تشدید می‌کند این است که خاورمیانه ذاتاً منطقه‌ای تنش‌زا بوده و قدرت‌های منطقه‌ای نظیر جمهوری اسلامی ایران برای دفاع از امنیت و منافع خود حضور فعال در منطقه را ضروری می‌دانند. تحولات سوریه و عراق طی ۷ سال اخیر گویای این موضوع است.

۴-۲-۳- با توجه به اینکه ایالات متحده آمریکا و اسرائیل به عنوان دو دشمن اصلی جمهوری اسلامی ایران عضو دائم این نهاد بین‌المللی نیستند، جمهوری اسلامی ایران نیز ترجیح می‌دهد وضعیت کنونی به عنوان عضو ناظر را ادامه دهد؛ به خصوص اینکه آمریکا که بیشترین فشارهای هنجاری و حقوق بشری را علیه جمهوری اسلامی ایران وارد می‌کند، عضویت دائم خود در دیوان کیفری بین‌المللی را پس گرفته و در حال حاضر عضو دائم این دیوان نیست. در هفتاد و دومین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، وزیر امور خارجه ایران برای اولین بار از زمان تأسیس دیوان در تیر ۱۳۸۱ با دادستان دیوان کیفری بین‌المللی، خانم فاطو بن سودا ملاقات کرد. این دیدار می‌تواند نوید بخش آغاز فصلی نوینی از تعامل در این دیوان و کنش‌گری ایران در عرصه عدالت کیفری باشد. مطابق موازین حقوق بین‌الملل دولت‌های امضا کننده این معاهده بین‌المللی از اقداماتی که مغایر با اهداف دیوان است باید احتراز کنند. با این حال، رویکرد دیرین

<sup>۱</sup>. Fatoo bin Soda

محتاطانه جمهوری اسلامی نسبت به مکانیسم‌ها و سازمان‌های بین‌المللی موجب شده است که ایران با نپیوستن به دیوان به عنوان یک ناظر مهلتی را در اختیار بگیرد تا عملکرد و کارکرد دیوان را در عمل نیز رصد و ارزیابی کند تا آن‌گاه به پیوستن یا نپیوستن به دیوان تصمیم‌گیری کند. استفاده از ظرفیت‌های حقوقی یا همان جنگ حقوقی نیز در حمایت از قربانیان بحران‌هایی مانند میانمار نیز مورد تایید و تاکید رهبری بوده است. مسأله امروز ایران پیوستن یا نپیوستن به دیوان نیست بلکه مسأله جزم شدن عزم ایران برای کنش‌گری در حوزه عدالت کیفری در منطقه و جهان است. تعامل با دیوان در بهترین حالت باید منتهی به فعال شدن کشورها برای عدالت باشد (ذاکر حسین، ۱۳۹۶)؛ (Zaker Hossein, 2017).

۴-۲-۴- به لحاظ هنجاری؛ با توجه به اینکه اساسنامه رم تا حدود زیادی بر اساس هنجارهای غربی تدوین شده است، تداوم عضویت ناظر سبب می‌شود که جمهوری اسلامی ایران ملزم به پذیرش این هنجارها که برخی از آنها با هنجارهای اسلامی و همچنین با قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران نیز ممکن است در تضاد باشد، نباشد. برای مثال؛ در حوزه حقوق زنان تفاوت‌های بنیادی میان اصول هنجاری مورد قبول جمهوری اسلامی ایران و هنجارها و ارزش‌های مطرح شده در کنوانسیون‌ها، میثاق‌ها و اساسنامه‌ها از جمله اساسنامه رم وجود دارد. بعلاوه، نگاه امنیتی به پدیده‌های اجتماعی و سیاسی در جمهوری اسلامی ایران بیش از کشورهای توسعه‌یافته است. همین تفاوت‌های هنجاری سبب شد که در چند نوبت برخی کارشناسان و یا رسانه‌ها خواستار تشکیل پرونده علیه جمهوری اسلامی ایران در دیوان کیفری بین‌المللی باشند. در همین خصوص؛ «کریستوفر سانتورا» که در دادگاه ویژه سیرالئون<sup>۱</sup> در لاهه فعالیت می‌کرد، در پاسخ به این پرسش که چرا دیوان کیفری بین‌المللی باید علناً علیه ایران اعتراض کند نوشت: «گروه شبه‌نظامی غیرآموزش‌دیده معروف به بسیج علیه شهروندان غیرنظامی در ایران فعالیت می‌کند و حقوق شهروندان را نقض می‌کند. نشانه‌ای از بهبود وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران دیده نمی‌شود. شکنجه، بازداشت‌های هدفمند، محاکمه‌های غیرعلنی و خشونت در ایران نه تنها متوقف نشده بلکه شدت نیز پیدا کرده است. از این رو، دیوان بین‌المللی کیفری باید علناً علیه جمهوری اسلامی ایران و وضعیت حقوق بشر در این کشور اعتراض کند.

۴-۲-۵- الگوهای رفتاری جمهوری اسلامی ایران و به خصوص مقامات رده بالای آن حاکی از این است که اولاً؛ جمهوری اسلامی ایران معتقد است که نهادهای بین‌المللی ابزار قدرت‌های بزرگ هستند. دوماً؛ نهادهای بین‌المللی نمی‌توانند مستقل باشند. سوماً؛ نهادهای بین‌المللی بیش از همه علیه کشورهای در حال توسعه از جمله جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کنند و جنایت‌های

<sup>۱</sup>. Christopher Santora

<sup>۲</sup>. Special Court for Sierra Leone (2002-2013)

قدرت‌های بزرگ به خصوص آمریکا علیه کشورهای دیگر و یا حتی در داخل کشورهای خود انجام می‌دهند را مورد بررسی قرار نمی‌دهند. چهارم؛ بی‌اعتمادی شدیدی نزد مقامات جمهوری اسلامی ایران درباره نهادهای بین‌المللی وجود دارد که این بی‌اعتمادی می‌تواند درباره دیوان کیفری بین‌المللی نیز وجود داشته باشد. با توجه به این شرایط؛ جمهوری اسلامی ایران ترجیح می‌دهد به عنوان عضو ناظر در دیوان کیفری بین‌المللی حضور داشته باشد و نقش آفرینی کند. با توجه به حضور پررنگ جمهوری اسلامی ایران در مجمع کشورهای عضو دیوان کیفری بین‌المللی که سالی یک بار برگزار می‌شود، امکان تداوم عضویت ناظر جمهوری اسلامی ایران در دیوان وجود دارد.

#### ۴-۳- تغییر عضویت از ناظر به دائم

یکی دیگر از راهبردهایی که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در تعامل با دیوان کیفری بین‌المللی اتخاذ کند، تغییر عضویت در این نهاد بین‌المللی از عضویت ناظر به تصویب اساسنامه و عضویت دائم است. امکان تحقق این راهبرد به علل مختلف و با توجه به مواردی که در سناریوی مصلحت‌اندیشانه و تصمیم‌گیری بهینه مطرح شد، هم وجود دارد و هم اینکه منافع جمهوری اسلامی ایران با توجه به الحاق اختیاری ایران به دیوان و وجود مصلحت بزرگ تر محاکمه مجرمین بین‌المللی و جلوگیری از فرار ایشان از چنگال عدالت که آرمانی مورد تأیید اسلام است بهتر تأمین می‌نماید (مهرپور، ۱۳۹۳: ۴۹۷)؛ (Mehrpour, 2015: 497). برخی از مهم‌ترین این دلایل عبارتند از:

#### ۴-۳-۱- عرفی شدن جرایم تحت صلاحیت دیوان

اگرچه ممکن است اساسنامه رم توسط برخی قدرت‌های مطرح منطقه‌ای و جهانی شامل آمریکا، روسیه، چین، جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، ترکیه، اسرائیل، مصر، قطر، امارات متحده عربی و حتی عراق تصویب نشده باشد، اما این موضوع نمی‌تواند سبب شود که این کشورها از هنجارها و ارزش‌های مطرح شده در اساسنامه رم شانه خالی کنند. زیرا این هنجارها و ارزش‌ها به هنجارهای عرفی تبدیل شدند و که غیرقابل نقض محسوب می‌شوند. برای مثال؛ در حالی که عربستان سعودی عضو دیوان کیفری بین‌المللی نیست، اما نهادهای بین‌المللی بارها با انتشار گزارش‌هایی اعلام کردند که تبعاتی که جنگ عربستان سعودی علیه یمن داشته، می‌تواند مطابق مواد ۷ و ۸ اساسنامه رم از مصداق‌های بارز «جنایت علیه بشریت» و «جنایت جنگی» قلمداد گردد. مثال دیگر این است که اگرچه کشور سوریه عضو دیوان بین‌المللی کیفری نیست اما تاکنون در چند نوبت برخی از کشورها خواستار ارجاع پرونده این کشور به دیوان در قالب ارتکاب جنایت علیه صلح و جنایت علیه بشریت شدند. بنابراین عدم عضویت کامل نمی‌تواند سبب نادیده گرفتن هنجارها و ارزش‌های مندرج در اساسنامه رم شود.

#### ۴-۳-۲- مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

عضویت ناظر و یا حتی خروج از دیوان نیز نمی‌تواند سبب شود که مقامات یک کشور برای

اجرای اساسنامه رم «مسئولیت» نداشته باشد. برای مثال؛ در حالی که لیبی عضو دیوان کیفری بین‌المللی نبود، اما با قطعنامه ۱۹۷۰ شورای امنیت پرونده این کشور در سال ۲۰۱۱ به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع و دیوان نیز حکم بازداشت معمر و سیف‌الاسلام قذافی او عبدالله السنوسی آرا به دلیل ارتکاب جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی صادر کرد. پیام این قطعنامه که تحولی در حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود، این بود که «دیگر حکمرانان نمی‌توانند هیچ تعرضی به مردم خود داشته باشند و در غیر این صورت آنها هم با این عواقب مواجه می‌شود (خرم، ۱۳۸۹)؛ (Khorram, 2011). بنابراین، عضو نبودن در دیوان سبب نمی‌شود که حکام آن کشور در اجرای مفاد و هنجارهای اساسنامه رم مسئولیتی نداشته باشند. زیرا این هنجارها، جهانی شده، عرفی شده و برای همه کشورها لازم‌الاجرا هستند. لذا اشخاص حتی اگر کشور متبوع آنها عضو دائم دیوان نباشد و در صورتی که مرتکب جرایم تحت صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی شوند، تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.

دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در اواخر سال ۲۰۱۷، خواستار مجوز برای بررسی جرایم احتمالی جنگی و جرایم بر علیه بشریت در افغانستان شده است. اگر از سوی دیوان کیفری بین‌المللی برای دادستان مجوز داده شود، افغانستان دومین کشور غیرآفریقایی خواهد بود که به جرایم ارتكابی در آن رسیدگی خواهد شد. هرچند دیوان کیفری بین‌المللی تا اواخر سال ۲۰۱۷ تنها به جنایات ارتكابی برخی از سران دول آفریقایی رسیدگی کرده است، ولی روندهای بین‌المللی احتمال تغییرات زیادی را در روند فعالیت و موضوعات مورد بررسی در دیوان دائمی کیفری فراهم خواهد نمود. جمهوری اسلامی ایران نیز با آگاهی از روند رو به رشد جایگاه دیوان بین‌المللی کیفری، عضویت دائم در این دیوان را به عنوان یکی از راهبردهای مهم پیش‌روی خود دارد و می‌تواند با تغییر وضعیت خود در دیوان در جهت هنجارسازی، کمک به ارتقاء صلح و امنیت بین‌المللی و همچنین تقویت جایگاه دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان تنها دادگاه قضایی مستقل بین‌المللی نقش موثری ایفا کند.

### ۳-۳-۴- قوانین داخلی ایران و روند همسو بودن آن با اهداف اساسنامه رم

اگرچه برخی از کشورها درباره تناقض میان اصول اساسنامه رم با قوانین داخلی خود معترض بوده و آنرا یکی از دلایل اصلی برای نپذیرفتن عضویت دائم در دیوان بین‌المللی کیفری مطرح می‌کنند، اما کارشناسان بر این باور هستند که میان اصول اساسنامه رم و قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران تعارض‌های جدی و غیرقابل حلی وجود ندارد. مهم‌ترین مواردی که در اساسنامه رم لحاظ شده و ممکن است با قوانین داخلی برخی کشورها تعارض داشته باشد عبارتند از: به رسمیت

<sup>1</sup>. Saif al-Islam Muammar Al-Gaddafi

<sup>2</sup>. Abdullah Senussi

نشناختن مرور زمان، تعهد اعضا به تسلیم اتباع خود برای محاکمه، عدم شناسایی مصونیت سران کشورها، لزوم موافقت با تحقیقات از سوی دادستان دیوان در حیطه قلمرو اعضا، عدم مجازات اعدام، محاکمه متهمین در حضور هیأت منصفه و محاکمه نکردن مجدد برای یک اتهام. میان قوانین جمهوری اسلامی ایران و برخی از این موارد تعارض وجود دارد، اما این تعارض به حدی نیست که مانع عضویت دائم آن در دیوان بین‌المللی کیفری شود. برای مثال، به رسمت نشناختن مرور زمان، وجود حبس ابد (به جای مجازات اعدام) و محاکمه در حضور هیأت منصفه که در اساسنامه دیوان لحاظ شده است تعارضی با مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ندارد؛ زیرا این موارد در جمهوری اسلامی ایران نیز وجود دارد. این در حالی است که میان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اساسنامه رم در سه مورد دیگر (شامل عفو، الزام به تسلیم اتباع کشور و عدم محاکمه مجدد) تعارض وجود دارد. با این وجود این تعارضات فوق نیز قابل حل است. برای مثال، درباره عفو بر اساس بند ۱۱ اصل ۱۱۰، قانون اساسی، رهبری کشور محکومان را مورد عفو و تخفیف مجازات قرار می‌دهند. درباره لغو مصونیت نیز تعارض میان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اساسنامه رم قابل حل است زیرا قانون اساسی ایران مصونیت را برای انجام وظیف محوله به مقامات صادر کرده است و در صورتی که افراد مرتکب جنایت‌های مندرج در اساسنامه رم شوند، مصونیت برای آنها معنا پیدا نمی‌کند (رضایی و ترابی، ۱۳۹۱: ۸۸-۸۰)؛ (Rezaei and Torabi, 2013:80-88). با توجه به این شرایط؛ می‌توان گفت قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران مانع جدی برای تبدیل وضعیت آن در دیوان بین‌المللی کیفری از ناظر به دائم نمی‌باشد. در عین حال، تبدیل عضویت ناظر جمهوری اسلامی ایران به عضویت دائم در دیوان کیفری بین‌المللی نه تنها نقض و تضعیف قوانین داخلی را در پی نخواهد داشت بلکه این قوانین را به روز و کارآمدتر خواهد ساخت.

### نتیجه‌گیری

کنفرانس بازنگری کامپالا در سال ۲۰۱۰ که با تعریف جرم تجاوز و عناصر آن پیشرفتی مهم در حقوق بین‌الملل را رقم زد و همچنین پیشرفتی قابل ملاحظه در فعالیت دیوان بین‌المللی کیفری محسوب می‌شود، تغییر وضعیت جمهوری اسلامی ایران در دیوان بین‌المللی کیفری را هم امکان‌پذیر و هم محتمل‌تر می‌سازد. از این جهت امکان‌پذیر می‌سازد که تردیدها درباره عضویت دائم در این دیوان کاهش یابد و یا حتی از بین ببرد.

با توجه به اینکه همواره یکی از «گزینه‌های روی میز» آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، گزینه نظامی بوده و همواره آمریکا، جمهوری اسلامی ایران را به جنگ تهدید کرده است، در صورت وقوع جنگی علیه جمهوری اسلامی ایران، کشورمان می‌تواند به توجه به ماده ۸ مکرر اساسنامه رم به دیوان بین‌المللی کیفری شکایت کند. در واقع؛ اگر یکی از دلایل مخالفت ایالات

متحده آمریکا با عضویت دائم در دیوان کیفری بین‌المللی مربوط به گنجانده شدن جرم تجاوز در اساسنامه رم باشد، یکی از دلایل الحاق جمهوری اسلامی ایران به دیوان بین‌المللی کیفری نیز می‌تواند گنجانده شدن جنایت تجاوز در اساسنامه رم باشد که برآیند کنفرانس بازنگری کامپالا است. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند تعریف تجاوز در کنفرانس بازنگری کامپالا را به عنوان فرصتی برای تعقیب منافع و امنیت خود در نهادهای بین‌المللی به خصوص دیوان بین‌المللی کیفری در نظر بگیرد. از این رو، می‌توان گفت تعریف تجاوز احتمال تغییر وضعیت عضویت ناظر ایران در دیوان بین‌المللی کیفری به عضویت دائم را تقویت می‌کند، زیرا همه ایرادات حقوقی و سیاسی که به الحاق ایران به دیوان مطرح شده از قاعده نفی سبیل گرفته تا تعارض قوانین و نفوذ شورای امنیت، با توجه به تعریف جدید تجاوز قابل حل خواهد بود.

### منابع فارسی

۱. آقایی جنت‌مکان، حسین. (۱۳۹۰). تعریف، عناصر و شروط اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جنایت تجاوز با نگاهی به موافقت‌نامه کامپالا، *فصلنامه حقوقی بین‌المللی*، ۲۸(۴)، ۱۸۴-۱۶۳.
۲. پورخاقان، زینب. (۱۳۸۹). بررسی جرم تجاوز در کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، *فصلنامه پژوهش‌های حقوقی*، ۹(۱۷)، ۵۴۲-۵۲۷.
۳. خرم، علی. (۱۳۸۹). *قطعنامه ۱۹۷۰ علیه لیبی؛ نماد تحول در حقوق بین‌الملل*، ۹ اسفند، در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page>
۴. ذاکر حسین، محمدهادی. (۱۳۹۶). دیوان کیفری بین‌المللی ۱۵ ساله شد، ۲۳ تیرماه، در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page>
۵. رضایی، علیرضا، ترابی، قاسم. (۱۳۹۱). بررسی تعارضات قوانین اساسی کشورها با اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری بر اساس حق حاکمیت سیاسی با تاکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه علوم سیاسی*، ۸(۱۸)، ۹۴-۷۷.
۶. زمانی‌نیا، امیرحسین. (۱۳۹۳). پیشینه و عملکرد دیوان کیفری بین‌المللی: از رم تا کامپالا، در: ذاکریان مهدی. *محاكم کیفری بین‌المللی*، تهران، انتشارات تپسا.
۷. سلیمی، صادق. (۱۳۹۳). ارتباط شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی در پرتو کنفرانس بازنگری ۲۰۱۰، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ۱۶(۴۳)، ۱۸۴-۱۶۳.
۸. ضیائی بیگدلی، محمد رضا. (۱۳۸۷). *حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران: نشر گنج دانش.
۹. ممتاز، جمشید. اکبری، مسعود. (۱۳۹۵). آمریکا و دیوان بین‌المللی کیفری: سیاست آونگی، از تقابل تا تعامل، *فصلنامه راهبرد*، ۲۵(۷۸)، ۶۱-۲۹.
۱۰. موسی‌زاده، رضا. امینیان، اکبر. (۱۳۹۰). *جمهوری اسلامی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی*،

تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام.  
۱۱. مهرپور، حسین. (۱۳۹۰). *جمهوری اسلامی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی: بررسی موانع شرعی الحاق ایران به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام.

#### English References

1. Baek, B.S. (2006). The Definition and Jurisdiction of the Crime of Aggression and the International Criminal Court. *Cornell Law School J.D. Student Research Papers*, 19, at: [https://scholarship.law.cornell.edu/lps\\_papers/19](https://scholarship.law.cornell.edu/lps_papers/19)
2. Gray, K.W., Kalyalya, K. (2016). Overcoming Statism from Within: The International Criminal Court and the Westphalian System, *Critical Horizons*, 17(1), 65-53.
3. Hillebrecht, C. (2016). The Deterrent Effects of the International Criminal Court: Evidence from Libya, *International Interactions*, 42(4), 616-643.
4. Novak, A. (2015) *The International Criminal Court: An Introduction*, Berlin: Springer International Publishing.
5. Schabas, Williams, (2007), *An Introduction to the International Criminal Court*, 3<sup>th</sup> Edition. UK and New York, New Jersey: Cambridge University Press.
6. Scharf Michael P., (2012), Universal Jurisdiction and the Crime of Aggression, *Harvard International Law Journal*, 53(2), 358-389.
7. Tiemessen, A. (2016). The International Criminal Court and the lawfare of judicial intervention. *International Relations*, 30(4), 409-431.

#### Translated References to English

1. Aghaee, Janatmakan, H. (2011). Definition, Elements and Conditions of Exercising Jurisdiction of the International Criminal Court against the Crime of Aggression with a Look at the Kampala Agreement, *International Law Journal*, 28(44), 163-184. **(In Persian)**
2. Baek, B.S. (2006). The Definition and Jurisdiction of the Crime of Aggression and the International Criminal Court. *Cornell Law School J.D. Student Research Papers*, 19, at: [https://scholarship.law.cornell.edu/lps\\_papers/19](https://scholarship.law.cornell.edu/lps_papers/19)
3. Gray, K.W., Kalyalya, K. (2016). Overcoming Statism from Within: The International Criminal Court and the Westphalian System, *Critical Horizons*, 17(1), 65-53.
4. Hillebrecht, C. (2016). The Deterrent Effects of the International Criminal Court: Evidence from Libya, *International Interactions*, 42(4), 616-643.
5. Khorram, A. (2011). 1970 resolution against Libya; Symbol of change in international

- law, March 30, at: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page> **(In Persian)**
6. Mehrpour, H. (2011). *The Islamic Republic of Iran and the International Criminal Court: A Study of the Barriers to Iran's Accession to the Statute of the International Criminal Court*, Tehran: Institute for Strategic Studies, Expediency Council. **(In Persian)**
  7. Musazadeh, Reza Aminian, Akbar (2011). *Islamic Republic of Iran and International Criminal Court*, Tehran: Research Institute for Strategic Studies, Expediency Council. **(In Persian)**
  8. Novak, A. (2015) *The International Criminal Court: An Introduction*, Berlin: Springer International Publishing.
  9. Pourkhaghan, Z. (2011). Examining the crime of rape in the International Criminal Court Statute Review Conference, *Legal Research Journal*, 9(17), 527-542. **(In Persian)**
  10. Rezaei, A. Torabi, Q. (2012). Investigating the conflicts of the constitutions of the countries with the statute of the International Criminal Court based on the right of political sovereignty with emphasis on the constitution of the Islamic Republic of Iran, *Quarterly Journal of Political Science*, 8(18), 77-94. **(In Persian)**
  11. Salimi, S. (2015). The Relationship between the Security Council and the International Criminal Court in the Light of the 2010 Review Conference, *Journal of Public Law Research*, 16(43), 163-184. **(In Persian)**
  12. Schabas, Williams, (2007), *An Introduction to the International Criminal Court*, 3<sup>th</sup> Edition. UK and New York, New Jersey: Cambridge University Press.
  13. Scharf Michael P., (2012), Universal Jurisdiction and the Crime of Aggression, *Harvard International Law Journal*, 53(2), 358-389.
  14. Tiemessen, A. (2016). The International Criminal Court and the lawfare of judicial intervention. *International Relations*, 30(4), 409-431.
  15. Zaker Hussein, M. (2017) *The International Criminal Court Turned 15 Years Old*, July 2, at: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page> **(In Persian)**
  16. Zamaninia, A. (2015). Background and function of the International Criminal Court: From Rome to Kampala in: Zakerian, M., *International Criminal Courts*, Tehran: Tisa Publications. **(In Persian)**
  17. Ziaee Bigdeli, M. (2008). *Public International Law*, Tehran: GanjDanesh Publishing. **(In Persian)**